

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبیر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه طارق، ۷شوال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲) النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳) إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴) فَلْيَنْظُرِ
الْإِنْسَانَ مِمَّ خُلِقَ (۵) خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷) إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ
لَقَادِرٌ (۸) يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ (۹) فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰) وَالسَّمَاءِ ذَاتِ لَرْجَعٍ (۱۱) وَالْأَرْضِ ذَاتِ
الْصَّدْعِ (۱۲) إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۱۳) وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴) إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵) وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۶) فَمَهْلُ
الْكَافِرِينَ أَهْمُ لَهُمْ رُوبِدًا (۱۷)

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿۲﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿۳﴾

قسم به آسمان و طارق.

سوره طارق با قسم به آسمان شروع می‌شود. در ده آیه اول مباحثی گفته می‌شود و در قسمت دوم سوره، دوباره

قسم به آسمان می‌خورد و سوره ادامه می‌یابد. توجه به آسمان در این سوره خیلی اهمیت دارد.

سوره، طارق را ستاره پرنفوذ معرفی می‌کند.

طارق به معنی کسی هست که با رفتن در یک مسیر و با رفتن محکم در یک مسیر، با پا کوبیدن در یک مسیر، یک طریقی را باز می‌کند. طارق کسی هست که راهی را می‌رود و به واسطه رفتن او، راه شکل می‌گیرد و راه نمایان می‌شود. در تفاسیر از طارق به عنوان ستاره شب یا ستاره شب شکن هم نام برده شده است.

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤٤﴾

در جواب قسم‌ها گفته است که هیچ کسی نیست مگر اینکه حافظی برای او قرار داده شده است و این حرف اصلی سوره است. حالت‌های مختلفی دارد.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾

انسان با نظر کردن به مبدا خلقتش متوجه این حافظ داشتن می‌شود.

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

انسان از یک آب جهنده که از بین صلب و ترائب خارج شده، خلق شده است.

در مورد صلب و ترائب هم نظرات مختلفی وجود دارد و مفسرین به شدت اختلاف دارند. خیلی جالب هست که خدا آیه را مطرح کرده است که مفسرین در ترجمه و تفسیر آن متحیر مانده‌اند.

اکثراً در ترجمه‌ها، صلب و ترائب را پشت و استخوان‌های سینه مطرح کرده‌اند.

صلب یعنی محکمی و چیزی که نرم نباشد. برخی گفته‌اند ستون فقرات منظور هست.

ترائب هم استخوان نرم جلوی سینه در نظر گرفته‌اند.

چیزهای دیگری هم گفته شده است.

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

خداوند نسبت به بازگرداندن انسان در هر وضعیتی قدرت دارد.

- وقتی در وضعیت امروز قرار دارد، خداوند می‌تواند او را بازگرداند.
- وقتی انسان از دنیا برود، دوباره می‌تواند او را به زندگی بازگرداند.

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾

ولی بازگشت را سوره به روزی که سریره‌ها دگرگون و آشکار می‌شوند، مربوط کرده است. یعنی رازها برملا می‌شوند، ویژگی‌های درونی با تغییراتی که ایجاد می‌شود، آشکار می‌شوند.

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

پس در این شرایط انسان نه قوت درونی دارد و نه ناصر بیرونی که به او کمک کند. اینکه انسان هیچ قوه و یابوری جز خدا ندارد، در روزی که نهان‌ها آشکار می‌شود، کاملا مشهود می‌شود.

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾

قسم به آسمانی که دارای رجوع و بازگشت است. مثلا

- آب وقتی به آسمان می‌رود، برمی‌گردد و دوباره می‌تواند به آسمان بازگردد.
- ستاره‌ها در آسمان حالت بازگشت دارند، وقتی می‌روند دوباره در وضعیتی قرار می‌گیرند که بازمی‌گردند.

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾

سوگند به زمین دارای شکاف که قابل نفوذ هست. هم آب می‌تواند به آن نفوذ کند و هم گیاهان می‌توانند جوانه بزنند و از آن خارج شوند.

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾

فهم قرآن

به آسمان قابل بازگشت و به زمین قابل نفوذ قسم خورده است که إِنَّهُ، قرآن قطعا کلامی جدا کننده است. حق و باطل، درست و نادرست، را از هم جدا و آشکار می کند.

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾

شوخی هم ندارد. همه قرآن با همه اجزایش کاملا جدی و تعیین کننده هدایت و نشان دهنده حق و باطل به انسان است.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾

در مقابل قرآن، برخی هستند که نقشه آنچنانی می کشند، کید آنچنانی می کنند.

کید یعنی نقشه کشیدن برای ضرر زدن.

وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾

خدا هم می گوید من هم کید آنچنانی می کنم یعنی وقتی که شما در مقابل حقایق عالم و خداوند نقشه بکشی، این بر علیه خودت نتیجه می دهد.

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

پس ای پیامبر به آن ها مهلت بده. بگذار فعلا هر کاری می خواهند بکنند ولی خیلی طولانی نخواهد بود.

جمع بندی

سوره طارق وضعیتی از انسان را نشان می دهد که به مراتب و شکل های مختلف، حافظ دارد. این نفس، بستری برای رشد دارد که زمین هست و آسمانی دارد که افق رشدش را تعیین می کند. برای اینکه انسان بتواند رشد کند، خداوند برایش حافظی قرار داده است. جنبه هایی از این حافظ داشتن، قرآن است که قول فصل است و راه را به

انسان نشان می‌دهد و طارقی که راه را برای انسان باز می‌کند و به صورت یک ستاره راهنما، راه را به انسان نشان می‌دهد.

اگر انسان خودش را در اختیار این حافظان و راهنمایان قرار دهد به آسمان می‌رسد و اگر اجازه ندهد که این‌ها او را به مقصد برسانند، انگار که کیدی کرده‌اند که به ضرر خودشان تمام می‌شود.

ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

سوره طارق را برای بچه‌ها، سوره‌ای برای شناخت راهنمایان حقیقی معرفی می‌کنیم. سوره معرفی اهل بیت (ع) است. اینکه بچه‌ها راهنمایان حقیقی را در یک سیر بشناسند:

یک بخش آن مربوط به شناخت اشخاص راهنما و اولیا هستند و مانند خود سوره در یک بخش‌هایی از این فرآیند، پدیده‌های طبیعی را به عنوان تمثیلی از این راهنمایان مطرح می‌کنیم.

- اول بچه‌ها را به نعمت والدین و معلم به عنوان راهنما در زندگی معرفی می‌کنیم.
- سپس به طور ویژه نعمت آب را به بچه‌ها معرفی می‌کنیم و آب را به عنوان نعمتی متفاوت از همه نعمت‌ها که حیات بخش است مطرح می‌کنیم. در آیات قرآن امام، آب معرفی شده است. در سوره طارق هم به آب به عنوان مبدا خلقت انسان اشاره شده است و همچنین به طور غیر مستقیم در آیات وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱) وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲) به آب اشاره شده است. با نشان دادن چرخه آب، فرآیند حیات بخشی را به آن‌ها نشان می‌دهیم و بیان می‌کنیم که اگر آب به همچنین جایگاهی رسیده است به خاطر ویژگی‌هایی هست که دارد: می‌تواند در حالت‌های مختلف وجود داشته باشد که باعث می‌شود این چرخه شکل بگیرد. می‌تواند مایع، جامد و گاز باشد.
- بعد دین و احکام شرعی را مطرح می‌کنیم و ضرورت اتصال با پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را که حقایق ثابت عالم را به صورت دین به ما معرفی می‌کنند.

- در گام بعدی به واسطه آشنایی با مقدمات نجوم، دیدن ستارگان در شب، بچه‌ها را با حقایق ثابتی در عالم آشنا می‌کنیم که می‌توانند راهنمای ما باشند. در گام‌های قبلی که در مورد پدر و مادر، آب و چرخه آب، دین و احکام شرعی و اهل بیت(ع) و اتصال با آن‌ها صحبت کردیم، بعدا که راجع به نجوم صحبت می‌کنیم، این ثابت بودن جایگاه ستاره‌ها و راهنما بودن آن‌ها در آسمان را می‌توانیم به اهل بیت(ع) ارتباط دهیم که جایگاه ثابتی دارند و راهنمای ما هستند و می‌توانند ما را به حقایق ثابتی که در عالم وجود دارد، دلالت دهند. همان کاری که سوره کرده و اهل بیت را با نجم ثاقب به ما معرفی کرده است.

- در گام بعدی محبت بچه‌ها به قرآن و اهل بیت(ع) را بیشتر کنیم. می‌توانیم حدیث ثقلین را مطرح کنیم و با قرآن به عنوان عدل و روی دیگر سکه اهل بیت(ع) و اتصاب با اهل بیت(ع) معرفی کنیم.

- سپس سعی می‌کنیم جایگاه امام و قرآن را در نظر بچه‌ها تقویت کنیم. می‌خواهیم که بچه‌ها این مقام قرآن و امام را در قالب فعالیت گروهی به بقیه هم نشان دهند.

نعمت پدر و مادر، نعمت آب که حیات بخش است، نعمت دین و احکام دینی، ستاره‌های آسمان، قرآن و اتصالش با اهل بیت(ع)، فرآیند معرفی راهنمایان حقیقی به برکت سوره طارق هست.

تدبر در سوره

سوره طارق خیلی آسمانی هست. مثل آسمان که بلند و با عظمت و شگفت انگیز و در دسترس و دست نیافتنی هست. هیچ چیز مثل آسمان در دسترس انسان نیست مثلا دریا و کوه و جنگل را باید بروید تا به آن‌ها برسید. آسمان همیشه هست فقط کافی هست که سرتان را بالا ببرید ولی از همه دست نیافتنی تر است. مدل سوره طارق هم همینطوری هست، مدل خیلی دور و خیلی نزدیک است. مطالبش انگار ساده است ولی وقتی دقیق می‌شوی می‌بینی که خیلی از آن را متوجه نمی‌شوی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾

آسمان به لحاظ لغوی، چیزی است که در آن ارتفاع و بلندی هست و هر چیزی هست که در مقابل زمین است. یعنی شما در هر زمینی که قرار داشته باشید، یک نقطه مقابل دارد. زمین که محل استقرار انسان است و پای آدم روی آن سفت است، یک نقطه مقابل دارد که بالا و دور از دسترس است به اسم سماء. رشد به سمت بالا و به سمت آسمان اتفاق می‌افتد و هر قدر هم بروید به آن نمی‌رسید؛ با آغاز سوره که سوگند به آسمان است، از اول یک افق بلند برای انسان ترسیم می‌شود. سوره بروج هم با سوگند به آسمان از منظر دیگری شروع می‌شود.

طارق ستاره‌ای است که ویژگی آن **راه‌نما بودن** است.

طارق از طَرَق است و مفاهیم زدن و ثابت شدن در آن وجود دارد مثلاً شما به چیزی بزنید تا ثابت شود. به راه، طریق می‌گویند چون کوبیده شده، یک نفر این راه را رفته و کوبیده و راه پیدا و معلوم شده است. طارق کسی هست که راهی را می‌رود و آن راه را معلوم می‌کند. به ستاره شب طارق می‌گویند چون انگار خودش مسیری را رفته و راهی را به ما نشان داده است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾

چه چیز تو را آگاه کرد که طارق چیست؟

النَّجْمِ الثَّاقِبِ ﴿٣﴾

نجم به معنای ستاره است ولی از منظری که ما می‌بینیم؛ در ریشه نجم، ظهور به جهت علو و برتری موضوعیت دارد. وقتی در قرآن از واژه کوكب استفاده می‌شود، خود ستاره و اجرام سماوی مدنظر است. در نجم جلوه‌ای که ما می‌بینیم مدنظر است.

ثاقب از ثقب است که در قرآن کم تکرار است. به معنای پرنفوذ؛ نفوذی عمق دارد.

نجم ثاقب ستاره‌ای است که عمق نفوذش زیاد است. یک آسمان و افق خیلی بلندی هست که دسترسی به آن ممکن نیست ولی ستاره‌ای دارد که با اینکه خودش در آسمان است، آنقدر نورش نفوذ دارد که نورش به ما هم می‌رسد و ما را راهنمایی می‌کند.

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

این قسم‌ها را می‌خورد تا بگوید که این یعنی نیست، هیچ نفسی نیست، علامه(ره) می‌فرمایند که اینجا لَمَّا معنی آلا می‌دهد، مگر اینکه حافظی بر آن گمارده شده است؛ امکان ندارد نفسی حافظ نداشته باشد.

برای حافظ داشتن نفس، معانی مختلفی می‌توان در نظر گرفت که می‌تواند همه این معانی را شامل باشد. اینطور نیست که بگوییم فقط یکی از این معانی درست است. علامه طباطبایی(ره) به مواردی از آن‌ها در تفسیر شریف المیزان اشاره کرده‌اند مثلاً اینکه ملائکه‌ای بر انسان گمارده شده تا اعمال انسان را حفظ و ثبت کنند؛ یا گفته‌اند خود نفس حفظ می‌شود یعنی وقتی جسم از بین می‌رود، نفس و حقیقت وجود انسان حفظ می‌شود تا در کالبد جسم دیگری برای زندگی در جهان دیگر قرار بگیرد یعنی نفس رها نمی‌شود چون حافظی دارد. ما که اینجا هستیم، حافظ داشتیم چون که می‌فرماید:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾

امر غایب آمده است. مِمَّ یعنی من ما، از چه چیزی. پس انسان باید دقیق نظر کند که از چه چیزی خلق شده است؟ چرا اسم خدا را نیاورده که خلق کرده؟ علامه طباطبایی(ره) می‌فرمایند که آنقدر موضوع واضح است که خدا خلق کرده، مجهول به کار رفته است. مهم این است که انسان ببیند از چه خلق شده است؟

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾

می بیند که از آب جهنده‌ای خلق شده است که بعداً به نطفه، علقه و مضقه و چیزهای دیگر تبدیل می‌شود و مراحل خلق را طی کرده است.

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

این آب جهنده از یک شرایط خاصی خارج شده است. از ما بین سختی و نرمی‌هایی خارج شده است؛ حالا می‌تواند مصادیق این سختی و نرمی مختلف باشد.

در صلب سختی وجود دارد.

ترائب جمع تریبه است که چیزهای نرمی هستند. مصادیق مختلف برای آن گفته شده است مانند استخوان نرم سینه، غضروف و گوشت ران و غیره. اگر به مصادیقش کار نداشته باشیم از بین سختی‌ها و نرمی‌هایی خارج شده است.

انسان وقتی به خلقتش نگاه می‌کند درک می‌کند که نفسش همیشه حافظ داشته است.

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ، یک جمله بدون زمان است و یک وضعیت پیوسته و ثابت را نشان می‌دهد. نفس همواره حافظ دار بوده و هست.

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

در ادامه می‌فرماید إِنَّهُ، معلوم است که منظور خدا هست و دیگر اسم خدا را نمی‌آورد. خداوند قطعاً قدرت بازگرداندن انسان به حالت قبل را دارد.

رجع یعنی بازگشت به حالتی که قبلاً در آن بوده است. انسان در حالت‌های مختلفی بوده، در هر حالتی که بوده، خداوند می‌تواند انسان را به حالت قبلش برگرداند و خود همین از مصادیق حافظ داشتن است. ظاهراً این حفظی که خداوند برای انسان گمارده است، این هست که او را به مقصد برساند. این مطلب که در سوره شمس آمده

است؛ قَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا، آن‌ها گناه می‌کردند، خداوند تسویه می‌کند

و همه چیز را با هم هماهنگ می‌کند. آن‌ها به واسطه تسویه نابود می‌شوند. اینجا هم همین است، اگر انسان نیز خودش را در مسیر رسیدن به مقصد قرار دهد و همراهی با برنامه الهی قرار بگیرد، این حافظ او را کمک می‌کند تا به مقصد برسد ولی اگر انسان خودش در مسیر قرار نگیرد، حفظ سعی می‌کند که مانع خارج شدن او از مسیر شود، درواقع حفظ الهی در مقابلش قرار می‌گیرد.

يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوبِدًا ﴿١٧﴾

روزی هست که یکی از مصادیق بالارزش قیامت است. همه سریره‌ها و آنچه درون انسان است مثل صفات درونی، رازهای درونی، همه برملا می‌شود.

آدم‌ها در مسیر رشدشان توان‌هایی پیدا می‌کنند. بچه‌ها که به دنیا می‌آیند همه چیزشان رو است. هرچه که آن‌ها را ناراحت کند، گریه می‌کنند و بروز می‌دهند. هرقدر انسان رشد می‌کند، قدرت خیالش پرورش پیدا می‌کند، این‌ها توان‌هایی هست که برای رشد انسان به او داده می‌شود، برای این است که انسان بتواند به سوی افق‌های بلند برود. انسان‌ها یک چیزهایی را پوشیده می‌کنند البته این منفی هم نیست بستگی دارد که انسان در چه جهتی باشد. انسان یک روز برمی‌گردد به حالت اولش مانند آن زمانی که نوزاد بود و همه چیزش رو و پیدا بود. انسان در موقعیتی قرار می‌گیرد که هیچ سری ندارد. هرچه قبلاً مخفی می‌کرده، در ظاهرش آشکار است.

در آن روز دیگر هیچ توان و یاوری ندارد؛ این قانون خداست که لا حول و لا قوة الا بالله یعنی هیچ حول، تحول و دگرگونی و هیچ قوه و توانی بجز الله وجود ندارد. همه تحولات و توان‌ها برای الله است. هیچ چیز به جز خدا تاثیر ندارد ولی ما حواسمان پرت می‌شود و یادمان می‌رود. فکر می‌کنیم که خودمان کارها را انجام می‌دهیم. بِحَوْلِ اللَّهِ

و قُوَّتِهِ أَقْوَمٌ وَ أَفْعَدُّ، به حول و قوت الهی می ایستم و به حول و قوت الهی حتی می نشینم.

این را در نماز هی باید به خودمان یادآوری کنیم چون یادمان می رود.

آن روزی که همه سریره‌ها آشکار می شود و آن روز رجع انسان به حقیقت خودش و انگار بازگشت انسان به آسمان، به همان حقیقتی که از همانجا آمده است، آن موقع این قوه نداشتن انسان معلوم می شود.

و یاریگری هم نیست. یاری انسان با خداست ولی در زندگی حواس انسان پرت می شود و فکر می کند از چیزهای دیگر می تواند کمک بگیرد.

یاری انسان فقط با خداست اما انسان فکر می کند انسان‌های دیگر می توانند کمکش کنند و به او نیرو و یاری بدهند.

در ادامه سوره دوباره به آسمان سوگند می خورد؛ آسمانی که قابل رجع است؛ بازگشت دار است؛ مثل بارانی که از آسمان برمی گردد؛ یا ستاره‌هایی که در آسمان می چرخند و دوباره به جایگاه خود باز می گردند؛

و سوگند به زمینی که دارای صدع است؛ بستر رشد است؛ امکان نفوذ در آن وجود دارد و هم چیزی می تواند به آن وارد شود و هم چیزی می تواند از آن خارج شود؛ گیاه می تواند وارد زمین شود و از زمین خارج شود؛ بستر رشد است؛

قسم به این دو که قرآن قول فصل است؛ قولی که جداکننده است و جدی و قطعی است؛ هزل نیست؛ هزل در مقابل فصل و جدّ و قطعیت است؛ هزل در قرآن راه ندارد و هرچه در آن است جدی و قطعی است.

اما آنان که قرآن را قبول ندارند کید می کنند تا به گسترش قرآن آسیب بزنند؛ کید به معنای نقشه کشیدن برای ضرر زدن به انسان است. در حالی که خدا می فرماید همانطور که آنان کید می کنند من هم کید می کنم. البته کید خدا با کید انسان فرق می کند؛ اینکه خدا نقشه می کشد یعنی قانونی در سطح اولوهیت وجود دارد که اگر

انسان در مقابل آن قرار بگیرد، باعث ضرر رسیدن به خود او می‌شود. اگر کسی بخواهد به قرآن و دین ضرر بزند، خودش آسیب می‌بیند.

و سپس خدا به پیامبر(ص) می‌فرماید به این افراد مهلت بده؛ به اندازه اختیار کمی که اکنون داری به آن‌ها مهلت بده تا کاری را که می‌خواهند انجام دهند.

اهداف تربیتی سوره

سوره طارق، سوره‌ای برای شناخت راهنمایان حقیقی است

پایه اول

توجه به نعمت پدر و مادر و معلم به عنوان راهنما

ما از سوره طارق یاد گرفتیم، خداوند کسانی را برای ما قرار داده که از ما مراقبت کنند و راه درست را به ما نشان دهند و راهنما باشند، تا مریض و ناراحت نشویم و اشتباه نکنیم و خوشحال و تندرست باشیم. با در نظر گرفتن ملاحظاتی، آنان در مرحله اول پدر و مادر و در مرحله دوم معلمان هستند.

کلمه «حافظ» در «إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ»، مراتب مختلفی دارد و یک مرحله از «حافظ» که خداوند قرارداد داده است، اولیائی هستند که بر افراد ولایت دارند، در کودکان پدر و مادر و در دانش‌آموزان معلمان هستند.

ملاحظاتی که لازم است رعایت شد این است که در بعضی موارد ممکن است پدر و مادر از نظر اعتقادی خوب نباشند، ولی اکثراً از نظر سلامتی و جسمانی، مراقب فرزندانشان هستند. برای آنان لازم است در نظر داشته باشیم، نمی‌خواهد هرچه پدر و مادران می‌گویند را انجام دهید. همچنین والدینی هم پیدا می‌شوند که از نظر جسمانی مراقبت بچه‌ها نیستند و به عبارتی بدسرپرست هستند، اوضاع آنان بسیار خراب است و اگر به فرزندانشان آسیب جسمی وارد کنند، بهزیستی اجازه سرپرستی به آنان نمی‌دهد.

توجه به چرخه آب و حیات بخشی آن به عنوان یک نعمت ویژه

اگر اولین بار است که سوره را تدریس می‌کنیم، لازم است، نکاتی را که در پایه اول به آن اشاره شد را بیان کنیم. در پایه دوم، به برکت سوره مبارکه طارق توجه آن‌ها را به نعمت آب، اهمیت و جایگاه آب جلب می‌کنیم. اینگونه که اگر آب نباشد، چه می‌شود؟ زیرا ممکن است آنان به این نعمت بزرگ توجه نکنند. این کار را با نماهنگ هم می‌شود، انجام داد.

چرخه‌ی آب در زندگی را، به آنان نشان می‌دهیم. یعنی خدای مهربان برای محافظت از ما آب را در زندگیمان قرار داد. آبی که به این شکل در دسترس ما است، درست است که با لوله کشی تا درب خانه آمده است؛ منتهی این آب کجا بوده است؟ آب دریاهاست، آب دریاها را که نمی‌شود خورد. خدای مهربان این آب را بخار می‌کند و به آسمان می‌برد، در آسمان کم کم فشرده می‌شوند و ابر تشکیل می‌شود، سپس ابرها حرکت می‌کنند و در مکان‌های مختلف مستقر می‌شوند. پس از این مراحل، به اشکال مختلفی باران، برف و تگرگ از آسمان فرو می‌ریزند. مقداری از این آب در زمین فرو می‌رود، و آب زیرزمینی را تشکیل می‌دهد، سپس با حفرچاه، آب از زمین بالا می‌آید. مقدار دیگری از آب فرو ریخته شده‌ی آسمان، به صورت رودخانه جاری می‌شود. مقادیر دیگری هم به صورت برف، روی کوه‌ها می‌ماند، آرام آرام که هوا گرم‌تر می‌شود، برف‌ها آب می‌شوند.

خوب است دانش‌آموزان تغییر حالات آب را مشاهده نمایند، از مایع به بخار، از بخار به جامد، از جامد به مایع.

افرادی که در مسیر رودخانه‌ها سرسبزی و خرمی ایجاد می‌کنند، از آب استفاده می‌کنند و مقداری از آب هم پشت سدها ذخیره می‌شوند، بخار ایجاد می‌کنند و دوباره این چرخه ادامه می‌یابد.

به دانش‌آموزان نشان می‌دهیم، که نعمتِ آب، چقدر مهم و حیاتی است و از سوره طارق یاد می‌گیریم، خداوند همیشه مراقب و محافظ ما است، و برای محافظت از ما آب را قرار داده است، ما از آب بوجود آمده‌ایم، بیشتر بدنمان از آب تشکیل شده است، زندگی گیاهان و حیوانات هم به آب وابسته است. ضمناً با نعمت آب، موارد دیگری را هم متوجه می‌شویم. ولی روی آن‌ها خیلی متمرکز نمی‌شویم. همین که توجه دانش‌آموزان به بازگشت آب از دریا به آسمان، از آسمان به زمین، و... جلب شود، کافی است؛ نیازی نیست بگوییم انسان هم بازگشت دارد.

دانش‌آموزان پایه دوم لازم است تمایز و تفصیل ببینند. چرخه‌ی آب و دیدن آب در موقعیت‌های مختلف و تمایز آب با نعمت‌های مختلف برایشان بسیار مفید است.

پایه سوم

توجه به چرخه آب و حیات‌بخشی آن به عنوان یک نعمت ویژه

اگر برای اولین بار است که سوره طارق را می‌خوانیم، لازم است نکات پایه اول و دوم را هم بگوییم. سپس برای پایه سوم می‌گوییم، خداوند همیشه مراقب ما است. همانگونه که خداوند پدر و مادر، معلم و آب را برای مراقبت از ما قرار داده، دین را هم قرار داده است، تا اشتباه نکنیم و آسیب نبینیم. اگر دین نبود، ما عمل صحیح و غلط را تشخیص نمی‌دادیم؛ پدر و مادر و معلم هم تشخیص نمی‌دادند.

خداوند دین را چگونه به ما رسانده است؟ خداوند دین را به واسطه‌ی پیامبران به ما رسانده است. از اینرو در این سوره بسیار مهم است که به سخن والدین و معلم گوش دهیم و از آن مهم‌تر اینکه هم ما، هم والدین و هم معلمان، لازم است به سخن خداوند گوش بدهیم.

سخنان خداوند را از کجا بشنویم؟ از پیامبران و امامان؛ زیرا آنان را خداوند قرار داده تا همیشه راهنما و مراقب ما باشند، و راه درست را به ما نشان دهند.

در پایه سوم به برکت سوره مبارکه طارق می‌آموزند که پس از نعمت پدرومادر و آب، با نعمت بزرگتری یعنی احکام شرعی و ضرورت اتصال به پیامبر(ص) و اهل بیت او آشنا شوند.

پایه چهارم

شنایی با نجوم مقدماتی و آشنا شدن با حقایق و انسان‌های ثابت به واسطه موقعیت ثابت ستارگان

در این پایه تدریس سوره طارق روی نجوم می‌رود. ستاره شناسی و جای ستاره‌ها در آسمان بسیار جذاب است. در روستاها و اماکنی که آسمان تاریک شب دارند، می‌شود آسمان را نشان داد. تهران به این معنا آسمان شب ندارد، منتهی مکانی وجود دارد که به صورت مصنوعی آسمان را نشان می‌دهند، می‌شود دانش‌آموزان را به آنجا برد. یا اردوهایی که در شب می‌شود آسمان را دید(مناطق نزدیک شاهرود و سمنان).

دین صحنه‌های آسمان برای دانش‌آموزان بی‌نظیر است. وقتی در قرآن می‌خوانند خداوند به آسمان قسم خورده است، اگر آسمان را ندیده باشند، حسی ندارند. منتهی اگر آسمان شب را دیده باشند، آن موقع سوگند به آسمان برایشان معنادار می‌شود.

نشان دادن ستاره قطبی در ساعات مختلف هم بسیار خوب است. ستاره قطبی، ستاره‌ای است که بسیاری از افراد گمان می‌کنند، ستاره پرنوری است. اتفاقاً ستاره قطبی خیلی هم پرنور نیست، و از آن پرنورتر هم فراوان است، هر چند ستاره واضحی است. این ستاره در طول شبانه روز تکان نمی‌خورد، چون روی محور گردش زمین به دور خودش (حرکت وضعی زمین) قرار گرفته است، واز نظر ما هیچ وقت از جایش تکان نمی‌خورد. و همیشه هر کجا که باشیم در شمال ما قرار دارد.

نشان دادن اینکه همه ستاره‌های دیگر، مشغول گردش به دور ستاره قطبی هستند.

ستاره نزدیک ستاره قطبی، دب الاکبر را می‌شود نشان داد(در سوره بروج هم می‌شود از این مطالب استفاده کرد).

خلاصه کلام، اینکه دانش‌آموزان با مشاهده ستارگان بفهمند، می‌شود با آنان راه و جهت را پیدا کرد. و اگر در مکانی بودند که نمی‌دانستند کجاست، ستارگان راه را به آنان نشان می‌دهند.

پس از بیان مفاهیم پایه‌های اول، دوم و سوم، می‌گوییم همانگونه که خداوند دین را قرار داده و ثابت است، برخی از ستارگان هم ثابت هستند. و حقایق هم مانند این ستارگان ثابت‌اند. و برخی از افراد هم، مانند این ستارگان راهنمای ما هستند و راه را به ما نشان می‌دهند.

پایه پنجم

افزایش محبت به ثقلین با شناخت اهمیت قرآن، جدی بودن آن در هدایت و اتصال آن با امام

اگر اولین سالی است که سوره طارق را می‌خوانند، مطالب پایه‌های قبل را نیز به آن‌ها منتقل می‌کنیم، منتهی مطلب اصلی را روی قرآن می‌بریم. اینکه قرآن یک حقیقت والا و مهمی است که راه را به ما نشان می‌دهد، و مانند آب، رزق و حافظ ماست.

سپس می‌گوییم، قرآن و اهل بیت یکی است. اگر می‌خواهی امام زمان(عج) را ببینی قرآن بخوان. و اتصال قرآن و امام را به آنان نشان می‌دهیم. خلاصه اینکه قرآن برای هدایت بسیار جدی است، و با امام هم کاملاً ارتباط دارد.

پایه ششم

نشان دادن جایگاه امام و قرآن از طریق کار گروهی

در صورت نگفتن مطالب پایه‌های پیشین، ابتدا آن مطالب را می‌گوییم. منتهی در پایه ششم تلاش می‌کنیم جایگاه امام و قرآن را در ذهن دانش‌آموزان تقویت کنیم. این چگونه اتفاق می‌افتد؟ از دانش‌آموزان بخواهیم شأن امام

وقرآن را به دیگران معرفی کنند. برای مثال، نمایشگاه بگذارند، همایش برگزار کنند،

کارگاه بگذارند، نمایش اجرا کنند، متن بنویسند؛ خلاصه کلام، به صورت گروهی کارهای مختلف انجام دهند، تا جایگاه، قدر، منزلت، ارزش و اهمیت امام وقرآن را به دیگران نشان دهند. با انجام این فعالیت‌ها جایگاه امام وقرآن در ذهن خودشان هم تقویت می‌شود.

«وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ»، سوگند به آسمان فروریزنده باران و سوگند به زمین گیاه روینده، که شما هم به سایت رجوع می‌کنید و از مطالب آن استفاده می‌کنید و هم برای ما فعالیت ارسال می‌کنید.

سوالات

✚ ما هروقت تلاوت قرآن را به امام آنروز هدیه می‌کنیم، آن امام خیلی به ما کمک می‌کنند (هنگام بازی به دانش‌آموزان می‌گویند به کدام امام هدیه کردند).

البته لازم است مراقب باشیم که قولی به دانش‌آموزان از طرف امام ندهیم که بعداً انجام نشود، و دانش‌آموزان ناراحت شوند. القائاتی که در دانش‌آموزان توقع ایجاد می‌کند، که مثلاً بگویند: خانم فلان اسباب بازی را از امام خواستم، و به من نداد، القائات اشتباهی است.

نکته خانم سیفی: قول دادن از طرف امام افراد را در دینداری، تضعیف می‌کند. دانش‌آموزان همان حس ارتباطی را که با امام برقرار می‌کردند، همان دریافتی بود که داشتند. هدیه نبود که چشم انتظار آن باشند. دریافتشان از امام نسبی نباشد، نقداً دریافت کنند. برای مثال، برچسب‌ها را بریزیم و بگوییم: هدیه امام جواد(ع) یا امام حسن مجتبی(ع) است. اکنون دیگر دانش‌آموزان دریافتشان تمام شده و برای بعداً ارجاع پیدا نمی‌کنند که کاری بشود یا نشود.

اگر معلمی بلد است این مسأله را صحیح انتقال دهد و صحیح القاء کند، بیان کند،

در غیر این صورت بیان نکند. البته بسیاری از معلم‌ها بلد هستند، که چگونگی کمک امام را القاء کنند. برای مثال همینکه در درس خواندن موفق شدی، یا این اتفاق خوب افتاد، یا اینکه خوشحالی، کمک امام (ع) بود.

دانش‌آموزان دبستانی، بخصوص پایه‌های پایین‌تر، اصلاً این پیچیدگی را ندارند، که وقتی بگوییم: اکنون کمک امام (ع) بود که خوشحالیم، آنان این را نپذیرند. کافی است به آنان راست بگوییم و صحیح القاء کنیم. اگر خوشحالی ما به حق باشد، مدیون اهل بیت (ع) هستیم.

خانم سیفی فرمودند: سوره را می‌شود به نیت دست امیرالمؤمنین (ع) ببوسیم، و در آغوش بگیریم. با این کار به شدت آتش عشق به امام قلیان می‌یابد و ابراز محبت می‌کنند بخصوص در پایه‌های پایین‌تر. خودتان امتحان کنید و حستان را نسبت به خودتان مرور کنید.

به صورت کلی، شأن سوره مانند شأن امامان است. ما باید این را بدانیم و درک کنیم، همراه بودن با سوره، در کنار امام بودن است. ما عظمت امامان را می‌شناسیم، منتهی رابطه‌ی فیزیکی با آنان نداریم. ولی با سوره رابطه‌ی فیزیکی داریم، منتهی عظمت سوره را نمی‌دانیم. هنگامیکه این دو را به یکدیگر نزدیک کنیم، معجون خوبی بدست می‌آید.

خانم سیفی گوشزد کردند، هنگامیکه از آب می‌خوریم و می‌گوییم سلام بر امام حسین (ع) را هم می‌شود در همین زمان گفت. از حضرت زهرا (س) هم می‌شود گفت، زیرا آب مهریه ایشان است و خداوند اینقدر عاشقانه ایشان را دوست دارد که مهم‌ترین نعمت را که سبب حیاتِ تمامی موجودات است را، به ایشان بخشیده است. خود کوثر حقیقتی مانند آب است، زیرا همانطور که آب از چشمه جاری می‌شود و همه جا جریان دارد، کوثر هم چشمه‌ای بهشتی است، که از بهشت جاری شده و در هم عالم جریان پیدا می‌کند. از امام زمان (عج) هم می‌توانیم بگوییم. تا وقتی از آب صحبت می‌شود، معصومین را به خاطر بیاورند. همینگونه که آب مایه حیات است، معصومین هم مایه حیات هستند، زیرا سبب هدایت افراد می‌شوند.

ولی روی این موضوعات بحث نمی‌کنیم، مخصوصاً در پایه های پایین‌تر، بلکه اشاره می‌کنیم.

✚ نعمتِ آب را به غیر از سوره طارق، در سوره‌ی دیگری هم می‌توان عنوان کرد؟

طبق فهم قرآن این سوره برای پایه چهارم است. در تمامی سوره‌ی که به پدیده‌ها اشاره می‌شود، می‌توان نعمتِ آب را عنوان کرد. برای نمونه در سوره نباء، سوره حمد از جهت اینکه به زیبایی اشاره می‌شود و سوره غاشیه زیرا هنگامیکه به آسمان‌ها و زمین نگاه می‌کنیم، دریا رودخانه و باران را هم می‌بینیم، در آیات مختلفی می‌شود اشاره کرد. حضرت ابوالفضل(ع) بخاطر امام حسین(ع) و فرزندان‌شان رفتند آب بیاورند.

یک کتاب در اصفهان با همین سیریه چاپ رسید، به نام مامان ابری. با سیر قطره‌ی آب، داستان بسیار زیبایی گفته شده است، آیه «أنا لله وأنا اليه راجعون» را بصورت غیرمستقیم برای کودکان تعبیر می‌کند. در مدرسه حمد(هنر، ادبیات و رسانه‌ی مدرسه دانشجویی) خیلی سال پیش، براساس سوره طارق داستانی می‌نوشتند که درباره آب بود (البته از نتیجه کار و اینکه آیا برای کودک مناسب است یا نه، خبر ندارم).

نکته خانم سیفی: به دلیل اینکه در این موقعیت بسیار درباره آب صحبت می‌کنیم، همه تشنه می‌شوند. باید فوراً به آنان آب گوارا داد، و سلام بر امام حسین(ع) را هم بگویند.

✚ منظورتان از دیدن انسان‌های ثابت چیست، آیا ائمه هستند؟

بله، در مرحله اول ائمه هستند، و پس از آن کسانی که می‌شود به آنان رجوع کرد. برای مثال، مراجع. البته صرفاً مراجع دینی منظور نیست. مراجع الهی یعنی افرادی که محل رجوع می‌شوند و علم ثابت را با رجوع به آنان می‌شود آموخت(فسألوا اهل الذکر ان کنتم تعلمون). ولی اصل آنان پیامبر و امامان هستند؛ زیرا روایت داریم که پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) از ستارگان هستند.

✚ سوره قدر پایه سوم، شبیه سوره طارق پایه ششم است؟

از جهتی بله شبیه هستند. دانش‌آموزان لازم است متوجهی رابطه قرآن و امام شوند.

منتهی سبکی که دانش‌آموزان پایه ششمی با سبکی که دانش‌آموزان پایه سومی، متوجهی این رابطه می‌شوند، متفاوت است. در پایه سوم به دانش‌آموزان گوشزد می‌کنیم، وقتی هر سال قرآن نازل می‌شود، به قلب مبارک امام زمان (عج) نازل می‌شود (در همین حد). پایه ششم از دانش‌آموزان می‌خواهیم نقش قرآن و امام را به دیگران معرفی کنند، برای مثال با برگزاری نمایشگاه. اتفاقاً در پایه ششم، هنگامی که سوره طارق را انجام می‌دهند، می‌توانند از آموزه‌های سوره قدر هم استفاده کنند. برای اینکه جایگاه قرآن و امام را نشان دهند، می‌شود به شب قدر هم اشاره کرد. این ارتباطاتی که پایه‌های مختلف با یکدیگر دارند، خیلی می‌تواند مفید باشند.

در فهم قرآن قرار نیست وقتی کار سوره‌ای تمام شد، دیگر به آن کاری نداشته باشیم، بلکه مطالب آن سوره در سال‌های آینده می‌تواند مکرراً یادآوری شود. جدولی در حال تنظیم است تا این اشتراکات در آن مشخص شود.

✚ اگر هدف در پایه مورد نظر نباشد، آیا می‌شود از اهداف پایه‌های پایین‌تر استفاده کرد؟ برای مثال هدف

پایه چهارم که کمتر دیده می‌شود.

از اهداف پایه‌های پایین‌تر می‌شود در پایه‌های بالاتر استفاده کرد، زیرا در پایه‌های بالاتر که تدریس می‌کنیم، خوب است همه مطالب پایه‌های قبل‌تر را هم بگوییم. مثلاً در پایه چهارم از جهت نجوم و آشناسدن با ستارگان، بخواهیم جایگاه امامان و بزرگان را به دانش‌آموزان معرفی کنیم. مطلب ستارگان ممکن است کم باشد، و حتماً مطلب پایه‌های قبل را می‌شود استفاده کرد.

نکته خانم سیفی: آسمان نما که دانش‌آموزان را می‌بریم، به قدری در مسیر صحبت می‌شود که از آنان قدرت نگاه عمیق به آسمان را می‌گیرد. لازم است دانش‌آموزان چند دقیقه آسمان را با سکوت ببینند.

چند نکته از معلمان

* در کتاب اجتماعی پایه چهارم، عشایر را نشان می‌دهد که مسیر خود را از روی ستارگان پیدا می‌کنند.

فهم قرآن

* در این پایه سفر دریایی هم می‌شود تهیه کرد، اینکه برای پیدا کردن راه چه

کارهایی می‌شود انجام داد؟

* بیان احادیثی از ائمه که به همه محبت کنیم، خوشایند همه است.

* طراحی بازی‌های راهنمادار و محافظ دار، بخصوص اگر چشم دانش‌آموزان بسته باشد، خیلی نماد بیشتری

دارد. و اینکه مربی در نقش امام است و صحیح و دقیق راهنمایی می‌کند.

* روی صفات خوشایندی که همه از امام حس خوشایندی داشته باشند، مانند صفت بخشنده‌گی، می‌توان

در این سوره مانور داد.

تنها راه نجات بشریت و خودمان توسعه‌ی قرآن، فهم قرآن، نگاه قرآنی و زندگی قرآنی در تمام عالم است. انشاءالله

خداوند به تمامی ما توفیق خدمتگزاری به قرآن عطا کند و مجاهد عرصه‌های قرآنی در تمام عالم باشیم.

اللهم صل علی محمد وال محمد و عجل فرجهم